

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۴۷

جمعه ۲۳ بهمن ۱۳۹۴، ۱۲ ژانویه ۲۰۱۶

یادداشت‌های هفته

عمیر تقوایی

زنان علیه تحجر حاکم!

تشکلهای کارگری:

حداقل دستمزد سه و نیم میلیون تومان!

خبرگزاری فارس در برابر کانال جدید!

صفحه ۶

نگاهی به خبرها

کیوان جاوید

صفحه ۷

کارگران

در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۹

علیه مضحکه انتخابات در خارج کشور

در تجمعات اعتراضی ۲۶ فوریه

شرکت کنید!

صفحه ۱۲

مبارزات مردم کردستان عراق

علیه حکومت اقلیم هر روز

قدرتمندتر میشود

صفحه ۳

جمهوری اسلامی و انتخابات دو قطبی مردم و حکومت

سیامک بهاری

صفحه ۲

حکومت اسلامی

محصول شکست انقلاب بهمن است

کاظم نیکخواه

صفحه ۳

چرا بر بی قید و شرط
بودن آزادی بیان تاکید

از ما میپرسند؟



دارید؟ (شهلا دانشفر پاسخ میدهد)

صفحه ۴

آیا از نظر شما چین یک کشور کمونیستی

است؟ (ناصر اصغری پاسخ میدهد)

صفحه ۵

همبستگی جهانی با کارگران ایران
گسترده تر میشود

صفحه ۱۱

باید در برابر مانور ضد

«اغتصابات کارگران» با قدرت ایستاد!

صفحه ۱۲



جمهوری اسلامی و انتخابات دو قطبی مردم و حکومت

سیامک بهاری



و عمق اختلافات درونی حکومت اسلامی نمایان می شود، به همان درجه توجه عموم جامعه به تشنست، ضعف و ناپایداری حکومت جلب می شود. به درجات بسیار بالاتری حتی برای افشار متوهم به حکومت نیز مشخص می شود که انتخاباتی در کار نیست! در بین جناح‌هایی که به جان هم افتاده اند، قرار نیست کسی مردم و منافعشان را نمایندگی کند. صحبت اساساً بر سر این است که کدام کاندیدا، منافع جناح خامنه‌ای را نمایندگی میکند و حضورش در هر کدام از مجلسین برای حکومت کم هزینه تر است. بخش عظیم جامعه به این انتخابات بعنوان یک نمایش و سناریوی چندش آور که در اساس هیچ ربطی به انتخاب و رای و اعمال اراده مردم ندارد می نگرند. این حقیقت را همه جناح‌های درگیر بخوبی میدانند و به عمق بی اعتمادی وسیع جامعه به جمهوری اسلامی واقفند!

آنچه امروز در مقابل بخش وسیعی از جامعه قرار دارد این است که چگونه باید از این نفرت عمیق بهره برداری سیاسی کرد و از این مضحکه فرا تر رفت و انتخابات را بر سر جمهوری خراب کرد! گسترش اعتراضات کارگری و پافشاری بر خواسته‌های اساسی و تاکید بر تأمین معیشت و منزلت بعنوان یک حق پایه‌ای مشغله اصلی جامعه است. مضحکه انتخابات حتی سرسوزنی به این خواسته‌ها مربوط نمی شود.

راه جامعه و انتخاب آن اساساً خلاص شدن از شر حکومت اسلامی است. این انتخابی است که کل دستگاه حکومتی با هر جناح و دسته‌اش نشان داده است. به هر درجه که تلاش حکومت برای کشاندن مردم به پای صندوق‌های رأی شدیدتر می شود، به همان اندازه وزن و جایگاه قدرت اعتراضی و خشم جامعه خود نمای می‌کند. این تند پیچی است که جمهوری اسلامی حتی در دراز مدت نمی تواند از تبعات آن خود را خلاص کند. *

اختلافات و گرو کشی‌های جناحی شد.

جناح خامنه‌ای برای بی حیثیت کردن توافقات هسته‌ای و بی دستاورد بودن آن، شکست و خفت بار بودن آن، حرف زده باقی نگذاشت. از خیل امام جمعه‌ها تا سرداران سپاه و جمع دلواپسان تا جمعیت‌های کرایه‌ای بسیج و غیره در مذمت توافقات و اندوه حسرت برای دوران تحریم و آرزوی برگشت به آن دوران داد سخن دادند.

در وضعیت کنونی، اصلاح طلبان آچمز حمله بیت رهبری شده‌اند و صرفاً به درجه‌ای موفق به بازسازی بخشی از نیروی باقیمانده خود پس از حذف استصوابی هستند. نهایتاً با شعار به صندوقهای انتخابات پشت نخواهیم کرد و نامه‌های سرگشاده برای خامنه‌ای و تاکید بر اهمیت رقابتی کردن نمایش انتخابات و تنها امکان برای اینکه بشود لیست‌های از پیش تعیین شده را کنار گذاشت و رد صلاحیت شدگان را سرپا نگهداشت، به رایزنی با رقبای مشغولند.

دعواهای پشت پرده به سرعت از دیوارهای تو در توی حکومتی به بیرون درز می‌کند و بخوبی نشان می‌دهد که دعوا و کشمکش که کل هیئت حاکمه را فرا گرفته است ریشه‌اش نه در انتخابات که دقیقاً در بحران ساختاری جمهوری اسلامی است، انتخابات صرفاً سبب شده است که این بحران در سطح وسیع‌تر و علنی تر خودنمایی کند. علی‌رغم این، نقطه مشترک هر دو جناح در حکومت اسلامی، فریب مردم و کشاندن آنها به پای صندوقهای رأی است.

درماندگی حکومت، موقییت مردم

هر چقدر دعواهای جناحی

عمومی و در عرصه بین‌المللی خود را حکومتی حاصل رأی مردم نشان دهد، این نمایش برای حکومتی که متعهد به آراء شهروندان نیست به تناقضی در خود و مایه دردسر و تکانه‌های شدید سیاسی خواهد شد. وقتی که جامعه از حق رأی واقعی و دخالت مستقیم در تعیین سرنوشت خویش باز نگهداشته شده است پیش از هر چیز، "انتخابات" به یک موضوع حساس امنیتی بدل می شود. از آنجا که محلی برای کسب قدرت و چنگ انداختن به امکانات مالی و تصاحب مقام است، رقابت برای کسب این موقعیت، ویژگی جناحی می یابد و بکلی به دعوایی در بالای حکومت بدل می شود. مهندسی آراء بخش از همین جا سرچشمه می گیرد. انتخابات از مراجع به آراء عمومی به کشاندن مردم به پای صندوقهای رأی و کسب مشروعیت برای این نمایش بدل می شود.

اصلاح طلبان در دوره‌های مختلف مداوماً یک پای ثابت این نمایش مسممزکننده حکومتی و موجه و رقابتی نشان دادن این مضحکه یک بخش از ارزش مصرف سیاسی. تاریخی آنان بوده است.

موقعیت جمهوری اسلامی پس از شکست ماجراجویی هسته‌ای سبب شد، بیشتر از پیش تعادل حکومت بویژه در لایه‌های بالایی و میانی آن بهم بریزد.

اصلاح طلبان که خود را فاتح موقعیت بدست آمده می دیدند برای عقب نشانیدن جناح رقیب خیز برداشتند. و با سیلی محکم دستگاه ممیزی بیت رهبری روبرو شدند. شکاف در میان بالایی‌ها بسیار بیشتر از آنچه می نماید موجب آبرو ریزی و افشاء سیاستهای طرفین و عمق

نمانده است! دو روی سکه وضعیت درونی و حال و احوال واقعی جمهوری اسلامی است.

اما دو قطب اصلی جدال نه در کشمکش بالایی‌ها، که در جنگی نابرابر اما بی وقفه در صحن اصلی جامعه هر چه بیشتر دارد خود نمایی می‌کند. منشاء دعوا اینجاست! درست در قلب واقعی که با امثال مضحکه‌ای به نام انتخابات می‌خواهند آنرا کتمان کنند.

میلیونها مردمی که برای یک زندگی بهتر، برای یک زندگی انسانی، باید از جمهوری اسلامی عبور کنند، همه جناح‌ها و باندهای حکومتی را با وحشت و هراسی بی پایان روبرو کرده‌اند. از پس زدن و به ریشخند گرفتن قوانین حکومتی تا ایستادن و پا پس نگذاشتن در مقابل ماشین سرکوب و بگیر و ببند حکومتی و اعتراضات وسیعی که ر پی در پی، اشکال متنوع تر و مرکب تری می یابد، این عبور بی وقفه خود را نشان داده است.

ماشین جنگی حکومت اسلامی برای مقابله با همین قطب، کوک شده است. مانورهای ضد شورش و ضد اغتشاش برای همین خطر آرایش جنگی بخود گرفته‌اند. دعوا اینجاست، سر منشاء دعوای باندهای حکومتی هم اینجاست! دو قطب، با دو جهت، دو صف متمایز، در خواسته‌ها و در مطالبات، سپر به سپر در مقابل هم قرار دارند. مردم حق دارند همه دعوای حکومتی را به پای پیروزی خود بگذارند و خود را در موقعیت اعتراضی بیشتری ببینند.

اصلاح طلبان و انتخابات در "پسا برجام"

بدیهی است که جمهوری اسلامی ناچار است در اذهان

جمهوری اسلامی و "دردهای" تمام نشدن‌اش و این بار در تند پیچی دیگر به نام انتخابات، به مرحله حساس تری رسیده است. اگر در بسیاری از دوره‌های گذشته، حکومت برای حفظ تعادل به دو بال خودش نیاز داشت، این بار ناهماهنگی بالهایش چنان شدید است که باید با جراحی و خونریزی سیاسی، بال دیگر را حذف کند و ناچاراً برای پرواز رویا پردازی کند.

همه نشانه‌های ورشکستگی سیاسی این حکومت با تمام باندها و جناح‌های آن یکجا خود را در کشمکش و جنگ و گریز به اصطلاح انتخاباتی به نمایش گذاشته است. صحبت نه بر سر رقابت یا از میدان بیرون کردن حریف، یا حتی آنطور که گفته می‌شود، بر سر حذف رقیب، که این بار تماماً برای یکدست کردن حکومت و سنگربندی در مقابل خطری بزرگ و گریزناپذیر است. موضوع انتخاب و رأی، اساساً برای جمهوری اسلامی قبیای گشاده است، نه در تاریخش، نه در پرونده سیاسی‌اش، حق رأی و انتخاب محلی از اعراب نداشته و نه دارد، که حالا در میانه جنگ و جدال کشنده داخلی و ورشکستگی آشکار سیاسی و اقتصادی، این بار معنا پیدا کند.

آنچه در حال وقوع است، در اساس جنگی است بر سر سرنوشت، جنگی برای ماندن و یا نماندن! این شرح حال همه جناح‌های حکومتی است. چه جناحی که به ضرب شورای استصوابی و رد صلاحیت، رقیب را از میدان به درمی‌کند، چه طرف مقابل که عاجزانه می‌کوشد، پنبه را از گوش رقبایش در آورد که فرصت زیادی، حتی برای گاز گرفتن در سربالایی هم باقی

حکومت اسلامی محصول شکست انقلاب بهمن است

کاظم نیکخواه



انقلاب بزند تا از سلطه سهمگین ساواک و شکنجه و اعدام و مفتخوران سرمایه دار خلاص شوند. مردم حق داشتند انقلاب کنند تا خود را از خفقان آریامهری خلاص کنند. مردم حق داشتند برای خلاصی از فقر و نداری و حاشیه نشینی دیکتاتوری پهلوی را به زیر بکشند و مدافعان سلطنت و کل جبهه دشمن انقلاب را از انقلاب کردن پشیمان کنند. دقیقاً در ادامه همین سناریو مدافعان رژیم پهلوی امروز زیانشان دراز شده است و مردم را نادان خطاب میکنند و با طلبکاری میگویند مردم اشتباه کردند که انقلاب کردند و گویا مردم قدر "خوشی" زمان شاه را ندانسته اند و نمیبایست انقلاب میکردند. عبارت دقیق تر جنبش سلطنت طلبی و ناسیونالیستی از جنایات و چپاول حکومت تغذیه میکند. افتخارشان این است که حکومت مطلوبیشان گویا از جمهوری اسلامی کمتر کشتار کرده است و گویا کمتر غارت و چپاول کرده است. این تمام افتخارشان است. مردم ایران برای خلاصی از یکه تازی دربار و ساواک و خانواده هزار فامیل انقلاب کردند و حق داشتند. مردم هزار بار حق داشتند دست به

انقلاب را به خون بکشند و مردم آن نشو و نما میگرد. انقلاب بهمن از اعتراضات مردم خارج از محدوده شروع شد. از اعتراض به گرانی و فقر شروع شد. مردمی که فقر و دیکتاتوری و ساواک آریامهری نمیخواستند دست به انقلاب زدند تا جامعه ای آزاد و برابر و مرفه را تجربه کنند. دولتها و قدرتهای سرمایه داری خمینی را از نجف به پاریس بردند. بی بی سی و صدای آمریکا و رادیو اسرائیل و رسانه های دیگر او را به امام و رهبر تبدیل کردند و در بوق کرنا کردند. و بالاخره در کنفرانس گوادلوپ کارتر و ژیسکارستن و هلموت اشمیت و کالاهان سران چهار کشور غربی نشستند و توطئه کردند و تصمیم به کنار زدن شاه و روی کار کشیدن خمینی به کمک ارتش شاهنشاهی گرفتند تا با اتکا به جنبش کثیف اسلامی

شاه قرار گرفتند و کشتار شدند و امروز جایشان در کنار پدران و مادران و همسران و عزیزانشان خالی است. و دردناکتر و تهوع اورتر اینست که جانیان حاکم خود را محصول انقلاب بهمن جا میزنند. محصول همان انقلابی که اینها فرزندان را به خون کشیدند و اهداف و آمال را خیلی زود نابود کردند. و بجایش یک قهقرا و عقب ماندگی و مافیای اسلامی را حاکم کردند. حکومت اسلامی اما نه محصول انقلاب بلکه آشکارا محصول سرکوب انقلاب و محصول شکست انقلاب بهمن است. باند خمینی و دارودسته های اسلامی دست پرورده حکومت شاه بودند. جنبش کثیف اسلامی در مرداب آریامهری پرورده شد که در آن هر صدای مخالفی را با بیرحمی خفه میکردند اما مسجد و آخوند و تکیه و نوحه خوانی و ارتجاع

ماه بهمن و یادآوری يك سالگرد دیگرانقلاب 57. میشد اوضاع بگونه ای پیش رود که در چنین روزی پیروزی انقلابمان را به یکدیگر شادباش بگویم. اما چه دردناک است که مردمی که برای خلاصی از دیکتاتوری آریامهری خود را به آب و آتش زدند و انقلابی با شکوه را با فداکاری تمام به جریان انداختند و يك حکومت ظاهراً شکست ناپذیر را با تلاشها و فداکاریهای بسیار به زیر کشیدند، فرصت نکردند طعم پیروزی شان را بچشند و خیلی زود طعمه گرگان اسلامی شدند. چه دردناک است که هزاران تن از عزیزان مردم، دانشجویان، کارگران، زندانیان سیاسی تازه آزاد شده، درست زمانی که هنوز در حال جشن پیروزی شان بودند و رویای شیرین بهار آزادی همه جا را فراگرفته بود، مورد حمله جنایتکارانی خونخوار تر از ساواک

مبارزات مردم کردستان عراق علیه حکومت اقلیم هر روز قدرتمندتر میشود پلیس و نیروهای پیشمرگ هم به صف مردم پیوستند

مبارزات مردم کردستان عراق علیه حکومت اقلیم هر روز قدرتمندتر میشود پلیس و نیروهای پیشمرگ هم به صف مردم پیوستند

از شر حکومت های ضد مردمی. *

مبارزه ای عادلانه برای آزادی و رفاه و سکولاریسم، برای رهایی

اعتراض مردم در کردستان عراق و در سراسر عراق از هر نظر شایسته حمایت گرم مردم در سراسر جهان است. این مبارزه ای است علیه دار و دسته های مفتخور و باندهای دزد و مرتجع حاکم، علیه حکومت قومی اسلامی در عراق و علیه حکومت فاسد در کردستان عراق.

تجمعات اعتراضی در شهرها نیز همچنان ادامه دارد و امروز افراد پلیس و پیشمرگه ها نیز که حقوقشان چند ماه است پرداخت نشده به صف تظاهرات مردم پیوستند. نیروی پیشمرگ که در شهرهای کویه، حلبجه و جمجمال دست به اعتراض زده ، امروز ۹ فوریه (۲۰ بهمن) يك اتوبان اصلی در نزدیکی سلیمانیه را بسته است. این يك اتفاق مهم است. نیرویی که درست کرده اند تا از حکومت در مقابل مردم دفاع کند اکنون به صف مردم پیوسته و در مقابل حکومت قرار گرفته است.

اعتراضات در شهرهای کردستان عراق از چند روز قبل شروع شده و هر روز بخش های بیشتری از مردم به آن میپیوندند. اعتصاب کارکنان و کارگران بیمارستانها در شهرهای سلیمانیه و هولیر ، از ششم فوریه شروع شده و همچنان ادامه دارد. معلمان مدارس شهرهای سلیمانیه، رایه رین و گه رمیان نیز دست به اعتصاب زده اند. مردم به عدم پرداخت حقوق ها و فساد که کل حکومت را دربرگرفته اعتراض دارند. در اربیل نیز گفته میشود که مردم دست به تظاهرات زده اند.



از ما میپرسند؟

چرا بر بی قید و شرط بودن آزادی بیان تاکید دارید؟



شهلا دانشمهر: آزادی نمیتواند مشروط باشد. آزادی ای که محدود و مشروط است در واقع آزادی نیست. هر گونه تبصره و "اما" و "اگری" عملاً راه نفی و سلب آزادی را هموار میکند و در واقع این اما و اگرها از اساس با هدف محدود کردن آزادی وارد قوانین میشوند. دولت‌ها و قدرتهای حاکم معمولاً با اتکا و استناد به همین نوع اما و اگرها و آوردن انواع تبصره‌ها، طی تمام قرون و اعصار آزادی را از مخالفین و منتقدین خود سلب کرده و عملاً آزادی کل جامعه را مورد تعرض قرار داده‌اند. به عبارت روشنتر با استناد به شرط و شروط توانسته‌اند به مقابله با آزادی خواهی بایستند و در کشورهای بسیاری کل جامعه را سرکوب کنند و به اختناق بکشانند. از جمله در یکسری از کشورهای اختناق زده مثل ایران، دولت‌های حاکم همواره به بهانه ملاحظاتی مانند منافع ملی، مقدسات مذهبی و یا اعتقادات ملی و منظور کردن این ملاحظات در قوانین جاری کشور، کل جامعه را مورد حمله قرار داده و در نتیجه بر بردگی و استثمار کل جامعه شدت بخشیده‌اند. از همین رو تاکید بر بی قید و شرط بودن آزادی مهم است. دفاع از آزادی بی قید و شرط یعنی بستن راه به قدرت رسیدن نیروهایی که دشمن آزادی مردم هستند. این یک نیاز و ضرورت عملی برای پاسداری از نقس آزادی و در امان نگاهداشتن جامعه از هر گونه تعرض و سرکوبی است. روشن است که ما خواهان

وسیع‌ترین آزادیهای سیاسی و اجتماعی و بی قید و شرط بودن آن هستیم. و نه فقط خواستار آزادی بدون قید و شرط بیان، بلکه خواستار آزادی بی قید و شرط عقیده، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و حزب هستیم. از نظر ما آزادی مشروط، آزادی نیست. ما با تاکید بر بی قید و شرط بودن آزادی بیان و با خواست وسیع‌ترین آزادی‌ها در واقع اعلام میکنیم که تمامی قوانینی که شرط و شروطی برای آزادی‌ها سیاسی و مدنی جامعه میگذارد باید لغو شود و نه دولت و نه هیچ اتوریتیه دیگری در جامعه حق ندارد که با گذاشتن شرط و شروط و با توسل به مقدساتی چون مذهب، وطن و غیره آزادیهای سیاسی و مدنی مردم را سلب و یا محدود کند. طبعاً مذهب و ملیت اصلی ترین و رایج‌ترین بهانه‌ها برای مشروط کردن آزادی و سلب کامل آن از جامعه هستند. بطور

مثال در مورد مذهب، ما میگوییم مذهب عقیده است و داشتن و نداشتن آن باید آزاد باشد و نه تنها این بلکه نقد آن نیز باید آزاد است. این نقد میتواند به هر شکلی از جمله طنز، کاریکاتور، فیلم و هر شکل هنری دیگری بیان شود. اما به تجربه دیده‌ایم که به اسم ممنوعیت توهین به مقدسات این حقوق را از جامعه میگیرند و در جایی مثل ایران بنا بر با قوانین شرع اسلام، فتوای قتل و احکام زندان صادر میگردد. جمهوری اسلامی با همین ابزار در بدو به قدرت رسیدنش هزاران انسان آزادیخواه را تحت عنوان محاربه با خدا کشت. همین امروز نیز کسانی تحت عنوان "زندانی عقیدتی" در زندانند. اینها همه به روشنی نقش مذهب و مقدسات را بعنوان حربه‌ای برای سلب آزادی‌های جامعه به روشنی بیان میکنند. ناسیونالیسم و تعصبات ملی نیز منبع دیگری برای مشروط کردن

آزادیهای اجتماعی و ابزارهایی برای سرکوب آزادی جامعه از جمله آزادی بیان است. از جمله در تمامی فرهنگهای "ملی" تعصبات ناسیونالیستی، وطن، خاک، پرچم، تمامیت ارضی، تاریخ شاهان و برتر دانستن "ملت" خودی از جمله مقدسات مسلم است که هر نوع نقد و زیر سؤال بردن آنها، مذموم است و خیانت محسوب میشود و در بسیاری جاها منع قانونی دارد و با سرکوب و زندان روبرو میگردد. این مقدسات و همه این تابوها خوراکی است برای شرط و شروط گذاشتن بر آزادی‌های سیاسی و اجتماعی کل مردم و از جمله برای آزادی بیان. و ما مخالف آن هستیم. طبعاً ما خواستار محدود کردن آزادی هیچ نوع تفکری، حتی افراطی‌ترین عقاید مذهبی و ناسیونالیستی نیستیم و از نظر ما نشر همه عقاید کاملاً آزاد است و به نفع ما مردم است. و در جامعه‌ای که در آن نقد فکری، علمی، هنری آزاد است، در جامعه‌ای که مردم در نقد مقدسات مذهبی و ملی و هر نوع خرافه‌های دیگری آزادند، راه برای پیشرفت علم و حاکم شدن معیارهای انسانی و برابری طلبانه فراهم تر میگردد و خرافه و مذهب را راحت تر میتوان از دامن جامعه پاک کرد. خلاصه کلام اینک ما کمونیست‌ها خواستار وسیع‌ترین آزادی‌ها و جامعه‌ای بری از هر گونه تعصب قومی، مذهبی و خرافه‌هستیم. در یک جامعه سوسیالیستی، در جامعه‌ای که در آن استثمار نباشد و مردم خود بر سرنوشته سیاسی شان حاکم باشند، ضرورت بقای مذهب و ناسیونالیسم و هر نوع مقدسات ملی و قومی و مذهبی که اساسا ابزاری برای مسخ کردن و سرکوب جامعه‌اند، از بین میرود. چنین جامعه‌ای نه نیازی به تعصبات و مقدسات ملی و قومی و مذهبی خواهد داشت و نه نیازی به محدود کردن آزادیها. *



از ما میپرسند؟

آیا از نظر شما چین یک کشور کمونیستی است؟



ناصر اصغری: امروز هیچ آدمی که چیزی از کمونیسم و سوسیالیسم بداند ادعا نمی کند که چین کشوری کمونیستی است. حتی روسای حزب کمونیست چین هم دیگر چنین ادعائی ندارند. چرا که با هیچ معیاری که کمونیسم با آن شناخته شده است منطبق نیست. کمونیسم بنا به تعریف جامعه ای است آزاد، لغو روابط کار مزدی، رفع تبعیض و بیحقوقی، آزادی تشکل و بیان، امنیت، ریشه کن شدن بیسوادی، دسترسی به بهداشت رایگان، ارزش برای جان انسان، حفظ محیط زیست و موارد اینچنینی است. کمونیسم را با حکومت شورائی و بازگرداندن اختیار به خود انسان می سنجند و می شناسند. در چین شورا و حکومت شورائی پیشکش، حتی تلاش برای ساختن یک اتحادیه هم آدم را به دردمر می اندازد. حتی اصرار بر داشتن یک انتخابات در سطح انتخاباتی مثل هند و پاکستان هم آدم را با سرکوب و شکنجه روبرو می کند. کمونیسم نقطه پایانی است بر بیعدالتی و کارمزدی. درحالیکه در چین به نوعی با بردگی طرف هستیم. کارگر هیچگونه کنترلی بر کار و تولید ندارد. مالکیت خصوصی بر وسایل تولید در دست عده معدودی، دمار از زندگی ۹۹ درصد از مردم آن جامعه در آورده است.

بهرحال در چین از آن معیارهای شناخته شده کمونیسم

مطلقا خبری نیست. شهرهایی با میلیونها انسان غالبا مهاجر، ساخته شده اند که از ابتدائی ترین حقوقی که یک آدم قرن بیست و یک قاعدتا باید از آن برخوردار باشد، بی بهره اند. صدها میلیون نفر در شرایطی مثل پادگان و با وضعیت اعمال شاقه مشغول بکارند که روزی فقط برای چند ساعت حق دارند از کارخانه به بیرون بروند. اگر کسی بخواهد از این شرایط فرار کند، پلیس سراغش می فرستند. صدها میلیون نفر در شرایطی کار و زندگی می کنند که حتی از قوانین به تصویب رسیده آن کشور هم محرومند؛ چرا که در منطقه ای به نام "منطقه آزاد اقتصادی" مشغول بکارند و هیچ قانونی که از حق و حقوق ابتدائی آنها حفاظت کند بر این مناطق حاکم نیست. دستمزد کارگران با چندین ماه تأخیر پرداخت می شود. سالانه شاهد هزاران تظاهرات و اعتراض هستیم که درست مثل امروز ایران فقط مطالبه پرداخت دستمزدهای به تعویق افتاده دارند. مهاجرت از یک شهر به شهری دیگر باید رسماً با اجازه مقامات دولت صورت بگیرد و بعضاً شاهد این پدیده عجیب و غریب هستیم که مردم در کشور خودشان، وقتی از یک روستائی به شهری مهاجرت می کنند برای سالها غیرقانونی و زیرزمینی زندگی می کنند. در چنین وضعیتی وقتی مریض می شوند و یا زنی وضع حمل می کند از ترس دستگیر شدن و دیپورت به روستا و منطقه مهاجرت کرده، از خیر بیمارستان و دکتر می گذرند. کودکانشان هم از مدرسه رفتن محروم می مانند. یا مشغول کارهای سیاه هستند یا مشغول بزهکاری.

از زمان آغاز "اصلاحات چهار مدرنیزاسیون" در سال ۱۹۷۸ که رسماً شروع اصلاحات

نتولیبرالی بود، شاهد رو آمدن یک اقلیت فوق العاده ثروتمند در آن جامعه هستیم. یک قشر میانه محدودی هم از تکنوکراتها، (محدود نسبت به جمعیت چین) یک زندگی نسبتاً راحتی دارند. و بقیه که بخش عظیمی از آن جامعه است، در فقری مطلق دست و پا می زنند. چین در عرض چند سال از سیستمی عقب مانده و حاشیه ای، به قدرت دوم اقتصادی جهان صعود کرد. در عین حال فاصله بین فقیر و غنی بیکاری سرسام آور است. وقتی که سیکل بیکار کردن می رسد، هزار هزار بیکار نمی کنند؛ بلکه ناگهان ۱۰ میلیون نفر بیکار می شوند. در دوره خصوصی سازی، میلیونها نفر را تحت عنوان "بازسازی" اخراج کردند و با شرایط تازه خصوصی سازها، با قراردادهای موقت و دستمزدهای بسیار پائین تر از دستمزدهای قبلی دوباره استخدام شدند! وقتی به قراردادهای کار توجه می کنی، انگار در ایران هستی. بخش اعظم قراردادهای موقت و سفید امضا هستند. محیطهای کار تابلوهای "شرایط جرایم نقدی و تنبیه فیزیکی!" دارند که کارگر در چین کار نباید حرف بزند، نباید آب بخورد، نباید زیاد به دستشوئی برود، نباید بنشیند، نباید دیر بیاید، نباید لباسش را اینجوری بپوشد و نباید برچسب نامش آنجوری باشد! دست آوردهای چند سال اول در زمینه آموزش و پرورش، بهداشت و کارآموزی دود شده و به هوا رفته اند. زن هنوز برده مرد است. دستمزد زنان در بسیاری از مشاغل حدود نصف دستمزد مردان است. سوانح محیط کار در چین سرسام آورند. معادن چین، "معادن مرگ" نام گرفته اند. سالانه شاهد صدها ریزش معدن با به قتل رسیدن

هزاران معدنکار هستیم. هرگونه تحرکی برای ایجاد تشکل و سازماندهی اعتراض و اعتصاب با مجازات شدیدی روبرو می شود. تشکل های زرد دولتی، در واقع پلیس های محیط کار هستند که هرگونه تحرک و زمزمه اعتصاب و اعتراض را به مدیریت و پلیس سیاسی اطلاع می دهند. منزل کارگری را که مریض است و سر کار حاضر نشده، زیر نظر می گیرند و حتی یک نفر می فرستند که ببینند واقعا مریض است یا اینکه خودش را به مریضی زده!

سرکوب و خفقان بیداد می کند. چین بیشترین اعدامها در سطح جهان را دارد. تخریب محیط زیست هم یک رکن دیگر سیستم چین است. آمار دولتی که در سال ۲۰۰۳ منتشر شده بود، نوشته بود که آب حداقل ۷۵ درصد رودها و رودخانه های چین غیرقابل استفاده برای آشامیدن و ماهیگیری است. ۶۰ میلیون نفر به آب آشامیدنی مکنفی دسترسی ندارند. بیش از ۳ برابر این تعداد، یعنی بیش از ۱۸۰ میلیون نفر از آب آشامیدنی آلوده استفاده می کنند. هفت تا از ده شهر آلوده جهان از نظر آلودگی هوا، در چین قرار دارند. چین مقام اول را در آلودگی هوا و افزودن بر گرمای زمین دارد.

با این وضعیت هیچ آدمی نمی تواند ادعا کند که چین کشوری کمونیستی است. اینها ادعاهای یک کمونیست مخالف آن سیستم نیستند، آمارهای خود دولت هستند. بالاخره چین را می شود با صدها فاکت و سند نشان داد که کشوری سرمایه داری و از نوع وحشی تر آن هم است. اما اگر بخواهیم جایی را بسنجیم که آیا کمونیستی هست یا نه، باید دید که آیا آنجا هنوز برای زنده ماندن صرف، انسان را مجبور به کار برای مزد می کنند؟! اگر این

قاعده سیستم سرمایه داری آنجا حاکم است، پس انسان آنجا هنوز برده است. برده دستمزد است. هنوز قوانین مبادله کار انسان برای دستمزد برقرار است.

یک نکته مهم دیگر که شاید لازم باشد بدنبال این توضیحات بیاید این است که هیأت حاکمه چین هنوز تحت نام "کمونیسم" و "حزب کمونیست" کشور را می چرخاند. چرا دست از این عنوان برنمی دارند؟ حزب کمونیست چین در اوایل دهه ۲۰ قرن گذشته تأسیس شد و آن جناح بندهایی که در انترناسیونال سوم وجود داشت در این حزب هم انعکاس داشت. خط مائو و کمونیسم دهقانی بعد از قیام ناموفق حزب کمونیست در اواخر دهه ۲۰ دست بالا گرفت و بالاخره در سال ۱۹۴۹ این حزب به رهبری همان خط و بدنبال محبوبیتی که نام کمونیسم به یمن انقلاب اکتر به دست آورده بود و مظهر اعتراض به ظلم و ستمگری بود، قدرت دولتی را به دست گرفت. این انقلاب از جامعه ای علی العموم روستائی از روستاها شروع شد و بقول خودشان شهرها را از طریق روستاها محاصره کردند. اساسا انقلابی علیه روابط و مناسبات ارباب و رعیتی در چین بود. با "انقلاب فرهنگی" و آن طرحی که به عنوان "یک گام بزرگ به جلو" (Great Leap Forward) شناخته شده است گامهای بلندی به طرف صنعتی و سرمایه داری کردن کشور برداشتند. اینها در آن دوره "کمونیسم" محسوب می شد! هنوز بخش وسیعی از رهبری حزب کمونیست چین خود را متعهد به خط مائو می داند و خط دنگ ژیانوپینگ را زیر فشار می گذارد که حداقل نام "کمونیسم" را نگه دارند. شاید این تنها چیزی باشد که در چین "کمونیستی" است!*

یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

زنان علیه تاجر حاکم!

"زنان نباید نقش خود را به رخ جامعه بکشند." روحانی

زنان نیازی به این توصیه جناب روحانی ندارند. آنان مدتهاست نقش خود را نه به رخ جامعه بلکه به رخ حکومتی میکشند که ضدیت با زن يك ویژگی هویتی آنست. بینش و تلقی و سیاست جمهوری اسلامی نسبت به زنان فرسنگها از موقعیت و مقام اجتماعی آنان و درك جامعه از زن و حقوق زن عقب تر است. و به همین دلیل مساله زن از همان آغاز يك جبهه اصلی نبرد بین جامعه و حکومت قرون وسطائی جمهوری اسلامی بوده است.

آقای روحانی میگوید "ما تفکرات فمینیستی را قبول نداریم، اما تاجر را هم نمی‌پذیریم". باید به ایشان گفت تفکر فمینیستی پیشکش، اما نپذیرفتن تاجر شوخی بیمزه ای بیش نیست! نمیتوان رئیس جمهوری اسلامی بود و تاجر را نپذیرفت! نمیتوان رئیس جمهور نظام حجاب و آپارتاید جنسی و ازدواج شرعی دختر بچه ها و سیغه و تعدد زوجات و توهین و تحقیر هر روزه به زنان و سلطه و قیمومیت کامل مردان در امر ازدواج و طلاق و مسافرت و فعالیت اجتماعی دختران و همسرانشان و ده ها مورد دیگر

خبرگزاری فارس در برابر کانال جدید!

"در برنامه‌ای که در تاریخ ۶ سپتامبر (۱۵ شهریور ماه) از شبکه کمونیستی «کانال جدید» پخش شد، مجری برنامه «کیوان جاوید» در انتقاد از وضعیت کشورمان گفت: «در ایران آزادی عقیده وجود ندارد و همه مجبورند تابع يك مذهب خاص باشند و کسی را که اعتقادی ندارد و یا در مورد خداوند طور دیگری فکر می‌کند، زندانی و شکنجه می‌کنند و یا او را به دار می‌کشند ...

طرح افکار و عقاید در مجامع علمی و سیاسی ایران کاملاً آزاد است و کسی را در این سرزمین به این خاطر زندانی نمی‌کنند، بلکه اگر کسانی به قصد انحراف اذهان

و تشکیک در ایمان مردم، مباحث بی‌محتوا و شباهت فریبنده را در مجامع غیرعلمی مطرح کنند، با آنها متناسب با شیطنتشان برخورد خواهد شد".
خبرگزاری فارس
این دفاع خبرگزاری فارس از جمهوری اسلامی بی‌شبهت به دفاع گویلز از حکومت هیتلری نیست! جمهوری اسلامی همانقدر مدافع مردم معتقد به مذاهب دیگر است که حکومت هیتلر مدافع نژادهای دیگر بود! این حکومت ماهیتاً و بر اساس اسمش، قانون اساسی اش، قوانین قصاص و لایحه مجازات اسلامی اش، و تمام دستگاه فکری و عقیدتی و سیاسی و دولتی اش

صفحه ۸

تشکلهای کارگری:

حداقل دستمزد سه و نیم میلیون تومان!

هفت تشکل کارگری - اتحادیه آزاد کارگران ایران، انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، سندیکای نقاشان استان البرز، کانون مدافعان حقوق کارگر، کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری - با انتشار اطلاعیه مشترکی اعلام کردند که میزان دستمزد باید "متناسب با يك زندگی انسانی، مطابق با استانداردهای مدرن و متعارف و بالای خط فقر (۳۵۰۰۰۰۰ تومان)" تعیین شود. در این اطلاعیه آمده است که پس از رفع بهانه تحریمها "حمایت از کارفرمایان و بسترسازی امن برای جلب سرمایه گذاران داخلی و خارجی برای خروج اقتصاد از بحران در دوره لغو تحریم ها یا انداختن تقصیر وجود فاصله بین حداقل دستمزد با خط فقر به گردن دولت های پیشین، از دلایل و توجیهات امسال برای پایین نگه داشتن دستمزدها هستند."

کارگران بخوبی میدانند که شان نزول این نوع توجیهات و بهانه ها حفظ منافع کارفرمایان و طبقه سرمایه دار است. بخصوص امروز بعد از رفع تحریمها، دولت بمنظور جذب سرمایه ها، تضمین سود آوری آنها و رقابتی بودن کارکرد سرمایه در بازار ایران تلاش خواهد کرد سیاستهای ریاضت کشی اقتصادی را به نحو شدید تر وهم جانیه تری به اجرا در آورد. در ابتدا دولت روحانی حول "دستاوردهای" برجام و رفع تحریمها های و هوی تبلیغاتی زیادی براه انداخت اما بزودی معلوم شد که بهبودی در شرایط زندگی کارگران و توده محروم حاصل نخواهد شد. امروز حتی مقامات

حکومتی نیز اعتراف میکنند برجام گرهی از اقتصاد ایران نخواهد گشود و حتی رکود اقتصادی تشدید خواهد شد. اما حتی اگر اینطور هم نبود برجام دردی از کارگران دوا نمیکرد. منطق و هدف و انگیزه رفع تحریمها و جلب سرمایه ها و - کلا هر نوع توافق و قرارداد و بده بستانی بین دولتهای سرمایه داری - تامین منافع سرمایه داران است و نه بهبود وضع کارگران و یا تامین رفاه جامعه. همانطور که تشکلهای امضا کننده اطلاعیه اعلام میکنند دولت روحانی "مانند دولت های گذشته وظیفه ای جز دفاع از منافع سرمایه داران در همه ی اشکال و صور آن نداشته است" و کارنامه این دولت بروشنی نشان میدهد که "تا به امروز غیر از دست اندازی هرچه بیش تر به سطح معیشت کارگران و ایراد توجیهات و بهانه هایی چون "تحریم" و وجود "بحران های حاد اقتصادی"، چیز دیگری برای عرضه به کارگران در چننه ندارد".

بویژه امروز پیشبرد سیاست "بازگشائی اقتصادی" دولت و جذاب کردن بازار ایران برای جلب سرمایه ها مستلزم "دست اندازی هرچه بیشتر به سطح معیشت کارگران" است. تنها راه مقابله با این وضعیت تعرض وسیع و متحدانه جنبش کارگری است. نباید به دستمزدی کمتر از سه و نیم میلیون تومان رضایت داد. کارگران باید با قدرت بیشتر و در سطح گسترده تری برای تحقق این خواست بمیدان بیایند و اطلاعیه مشترک هفت تشکل کارگری میتواند نقطه شروع این تعرض گسترده باشد.

نگاهی به خبرها

کیوان جاوید



۲۲ بهمن و من

بگذارید از آخرین صحبت های حسن روحانی شروع کنم :

" انقلاب اسلامی در ایران، تنها يك انقلاب سیاسی نبود بلکه يك انقلاب اخلاقی هم بود." نوجوانی بودم بستری بر تخت بیمارستان که در حین تظاهرات خیابانی توسط گارد ویژه شاهنشاهی به سختی مجروح و حتی مرگ را به چشم دیده بودم ، که خبر قیام ۲۲ بهمن را شنیدم . در ۲۲ بهمن بدون فرمان خمینی و علیرغم تلاش اسلاميون برای باز داشتن مردم از قیام، مردم به پادگان ها هجوم برده و با خلع سلاح ارتش، رژیم شاهنشاهی را واژگون کردند .

نظامیانی که در شهر ما دست به کشتار زده بودند دستگیر و یکی از آنها به دلیل کشتار چند تظاهرات کننده اعدام گردید. همسر باردار نظامی ای که به من شلیک کرده بود به خانه مان آمد و خواستار بخشش شد. گفت من حامله ام لطفا بخاطر بچه ام ما را ببخشید و من بخشیدم و همسرش به این دلیل که شاکي خصوص نداشت آزاد گردید. این يك نمونه کوچک از «اخلاق» حاکم بر انقلاب ۵۷ بود. این نه يك اخلاق فردی که روح حاکم بر فرهنگ مردمی بود که در انقلاب ۵۷ شرکت داشتند.

برگردیم به پیام آقای روحانی که می گوید انقلاب «اسلامی» ایران اخلاقی بود. انقلاب ۵۷ برای آزادی و رفاه بود و به این دلیل درست و بجا و «اخلاقی». اما ضد انقلاب اسلامی دست به اعدام تعداد قابل توجه ای از سران اسرای وابسته به حکومت پهلوی زد و البته بخش موثر ساواک را به خدمت گرفت. بعد از آن گله چماقداران بودند که رو در روی انقلابيون و آزادیخواهان

صف کشیدند و نهایتا ۳۰ خرداد ۶۰ و کشتار های بعدی را خلق کردند. این هم نه اخلاق که خصلت ضد انقلاب اسلامی بود که همچنان ادامه دارد. به آمار اعدامهای همین دوران ریاست روحانی نگاه کنید.

روحانی ها نه تنها وارث انقلاب به حق ۵۷ نیستند که سرکوب کنندگان این انقلاب اند و به همین دلیل و دلایل بعد از آن باید همچون حکومت پهلوی به گورستان تاریخ پیوندند. فاجعه ملی و انتخابات اسلامی

خبر: فهرست نامزدهای انتخابات خبرگان نهایی شد، صلاحیت حسن خمینی رد شد

حسن خمینی پسر احمد خمینی معروف به احمد گریان است. همچنین نوه خمینی بنیانگذار حکومت کشتار، فقر و تباهی هم هست. ویژگی و برجستگی دیگر بنیانگذار جمهوری اسلامی تنفر و ضدیت فوق تصورش با زنان است. حرف معروفش که در اولین روزهای سال ۵۸ بیان کرد هنوز در گوشها طنین انداز است که گفت پوست زنان را می کنیم اگر بی حجاب کنار دریاهاى شمال بگردند و تمام عمر ننگینش صرف همین جنایت و جنایات دیگر شد. پدر بزرگ حسن خمینی پیش از مرگش فرمان مستقیم قتل هزاران زندانی سیاسی و بی خدا را صادر کرد.

حالا حسن خمینی به اتکا به اینکه نوه این شخص جانی و تبهکار است ، قصد ورود به گود این مضحکه انتخابات را داشت که نتوانست از سد شورای نگهبانی که پدر بزرگ گرامی اش بنیاد نهاد بود بگذرد.

برای اصلاح طلبان رنگارنگ از حکومتی تا بیرون حکومت و برای آیت الله بی بی سی تا آیت

الله رفسنجانی، این يك فاجعه ملی - اسلامی است. اگر حسن خمینی به مجلس خبرگان این حکومت راه می یافت قطعاً ایران گلستان می شد. زنان رها و آزاد می شدند. کارگران به رفاه می رسیدند و زندانیان سیاسی آزاد می شدند .

وقتی خمینی مقوایی وارد بازار سیاست شد، بی شک نوه او از جنس کاغذی آن در عرصه سیاست ایران است. دوران سیاه اینها بسر رسیده است.*

روحانی، احمدی نژادی که تازه به بازار آمد

حسن روحانی، رئیس جمهور ایران گفته است: "وقتی می خواهید تولید کنید، يك دستگاه فاسدی که نمی خواهم نام ببرم که چگونه می تواند کالای قاچاق وارد کند، نمی گذارد کشور رشد کند. باید جلوی این فسادها را بگیریم."

معروف است که احمدی نژاد هی می گفت بگم - بگم و هرگز به صراحت نگفت. يك بار هم گفت برادران قاچاقچی ما و ساکت شد.

حالا وصف حال روحانی است. هر که در این آشفته بازار جمهوری اسلامی، رئیس جمهور می شود فوراً مجبور است با «آقا» دست به یقه بشود. روحانی هم شروع کرده است به بگم - بگم. می گوید دستگاه فاسدی است که جلوی تولید را می گیرد. همه میدانند منظور از دستگاه فاسد سپاه پاسداران است که بخش اعظم اقتصاد ایران را از راه مافیایی کنترل می کند. جناح روحانی از این ناراحت نیست. مشکلش این است که چرا نمی گذارند همه با هم شريك این چپاول و غارت زندگی مردم

باشند. روحانی با این اعتراض نیم کلاج دارد به روند مضحکه انتخابات ایراد می گیرد که چرا همه همفکرانش از دم تیغ جناح مخالف گذر کرده اند. دارد ایراد می گیرد چرا سخنرانیم را از تلویزیون دولتی قطع می کنید ، و چرا مانع از دیپلماسی خارجی دولت می شوید؟

این جنگ قدرتی است که بین دو جناح اصلی در حکومت اسلامی وجود دارد. اما روحانی نمی تواند باند های فساد اقتصادی را افشا کند، چون جناح و باند خودش هم درگیر این فساد است.*

دست رد به سینه روحانی در صدا و سیما

«شبکه سراسری خبر سخنرانی رئیس جمهوری که قسمتی از آن پخش شده بود، را قطع کرد.»

«به گزارش ایسکانیوز، سخنرانی حسن روحانی در مراسم تجلیل از خانواده شهدای هسته ای و افتخار آفرینان برجام که دقیقی پیش از شبکه سراسری خبر پخش می شد، به يك باره قطع شد.» روز گذشته نیز بنا به اعلام قبلی قرار بود سخنان روحانی در دومین همایش ملی اعتدال با عنوان « زنان، اعتدال و توسعه » از شبکه خبر پخش شود ولی صدا و سیما از پخش آن امتناع کرد.

به این می گویند نمونه خوب يك حکومت از هم پاشیده. سران حکومت اسلامی حتی برای اینکه چگونه، کجا و چقدر از مردم غارت و چپاول کنند به جان هم افتاده اند. فقط در يك جا با هم هم عقیده و متحدند. اجرای احکام اعدام. به این دلیل ظریف در لندن اعلام می کند قوه قضائیه ما مستقل است و دولت هم به این استقلال احترام می گذارد و در اجراء احکام زندان و اعدام دخالت نمی کند.

در يك جامعه دیکتاتوری تنها در متن يك شرایط گورستانی و مردمی مرعوب شده و خاموش، می شود حکومتی متحد و يك پارچه داشت. اگر سران رژیم اسلامی

چشم دیدن همدیگر را ندارند، باید جامعه ای را دید که در هر لحظه، نخواستن وضع موجود را فریاد می زند.

کوه رفسنجانی همیشه موش مرده می زاید

اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام با استقبال از افزایش تعداد داوطلبان تأیید صلاحیت شده، می گوید "اگر درصدی از نامزدهای رد صلاحیت شده در انتخابات مجلس تأیید صلاحیت شوند، مردم با اشتیاق رأی می دهند و شاهد انتخابات رقابتی خواهیم بود."

قرار بود رفسنجانی پرچم ضد مومیایی های خبرگان را بلند کند. گفته بود مجلس خبرگان چه کاره است که رد صلاحیت کند؟ گفته بود با رد صلاحیت ها از مردم بترسید. سال ۵۷ را به یاد از گور برخاستگان خبرگان رهبری آورده بود.

شاید امید بستن برای آن ته مانده بخش محافظه کار جامعه که همیشه از تغییر می ترسد و وحشت دارد و فکر می کند اوضاع امروز بهرحال بهتر از شرایط غیر قابل پیش بینی فردا است، رفسنجانی يك کور سویی بود در شرایط ناهنجار فعلی.

اما رفسنجانی همیشه و در همه حال نشان داد که در فکر نجات همین حکومت تبهکار اسلامی است. طوری که غارت زندگی مردم برای يك دوره طولانی تضمین شود. دعوی خامنه ای و رفسنجانی بر سر حفظ همین گنداب اسلامی است. و آتش بس و فراخوان رفسنجانی برای شرکت در این انتخابات کذایی فعلی هم در راستای منافع مشترك او با دیگر همپالکی هایش در جناح دیگر است.* عبور از باتلاق جمهوری اسلامی تنها راه رسیدن به شاهراه زندگی است.*

مانور وحشت

نیروهای سپاه و بسیج از جنبش کارگری

در شرایطی که تحصن ها و

نگاهی به خبرها

امید دست یافتن به يك زندگي بهتر در ايران اند.

مشکلی بنام

اضافه وزن در

«نیروی پلیس ایران»

يك مقام نیروی انتظامی ایران از اضافه وزن نیروهای پلیس این کشور خبر داده است. محمدرضا احمدیان، معاون بهداشت، امداد و درمان نیروی انتظامی گفته است که نیروهای پلیس، باید به منظور حفظ چابکی خود، دارای تناسب اندام باشند.

پلیس در هر کشور یعنی مظهر قدرتنمایی نیروی سرکوبگر علیه مردم. قد کشیده و چهار شانه و تا حد امکان خشن. این قیافه به مردم عادی اینطور تلقین می کند که دستگاه دولتی هر زمان که اراده کند می تواند مردم عادی یا معترض را له کند. هر جا که اعتصابی باشد این نیرو با ابهت صف می کشد و باتوم بدست و کلاه به سر اراده طبقه حاکم را به رخ کارگران معترض و مردم عاصی از نابرابری می کشد.

حالا ایران را تصور کنید. اعتراض و نخواستن وضع موجود از همه تار و پودش فوران می کند. در این شرایط يك نیروی پلیس داریم که نمی تواند به دلیل مفت خوری خودش را جابجا کند. خب این هم یکی دیگر از نقاط ضعف دستگاه سرکوب در برابر مردم جلوه

خواهد کرد. راه خوش تیپ کردن و سالم سازی این نیرو البته تنبیه و تشویق نیست. بهتر است این نیروها منحل شوند و به صف کار و تلاش مردم برگردند و کار مفید کنند آنوقت فکری بحال سلامتشان هم خواهد شد.*

رویترز و فضای

انتخاباتی در ایران

در آستانه برگزاری انتخابات اسفند ماه در ایران، خبرگزاری رویترز در گزارشی تحلیلی از یاس و ناامیدی بسیاری از زنان و جوانان ایرانی خبر می دهد. خبرگزاری رویترز در این گزارش همچنین می گوید تصمیم گیرنده نهایی در ایران، علی خامنه ای است، نه حسن روحانی یا طرفداران او.

از نگاه مردم ایران البته این ناامیدی نیست. هر چه مردم از فضای مضحکه انتخاباتی "نا امید" باشند نشان میدهد که چقدر نسبت به تغییر ریشه ای و بنیادی وضع زندگی خود در خارج از ساختار جمهوری اسلامی امیدوارند. رویترز می گوید تصمیم گیرنده نهایی در ساختار جمهوری اسلامی، نه روحانی و همخط های او که واقعیت نیست. يك جنگ قدرت عظیم در میان جناح های حکومتی از خامنه ای تا رفسنجانی در جریان است که همین جنگ باند های حکومتی دارد شیرازه کل حکومت را از هم می پاشد. آتش این جنگ بین جناح های حکومتی را مردم ایران شعله ور کرده اند. مردمی

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است: <http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank
کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس

و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتونید با شماره های زیر تماس بگیرید:

ناامیدی و امید را باید اینجوا جستجو کرد.*

که ترکیب مذهب و سرمایه را با همه وجود خود تجربه کرده و در حال عبور از آن هستند. مرز بین

اما این تهدیدها دیگر دردی از مشکل جمهوری اسلامی دوا نمیکند. کانال جدید و حزب کمونیست کارگری نیست بلکه توده های مردمی است که این حزب و تلویزیونش را نماینده و سخنگوی خود میدانند. خبرگزاری فارس کانال جدید و کیوان جاوید را تهدید میکند که "با آنها متناسب با شیطننتشان برخورد خواهد شد."

بینندگان برنامه مواجه میشود. جمهوری اسلامی فقط کانال جدید و حزب کمونیست کارگری نیست بلکه توده های مردمی است که این حزب و تلویزیونش را نماینده و سخنگوی خود میدانند. خبرگزاری فارس کانال جدید و کیوان جاوید را تهدید میکند که "با آنها متناسب با شیطننتشان برخورد خواهد شد."

امام زمان!" را ذکر کند - همین حقایق را توضیح میدهد و از نیاز آیت الله های میلیاردی حاکم به خرافه مذهب برای حفظ نظام و قدرت و ثروتشان و ضرورت جدائی مذهب از دولت و قوانین و سیستم آموزشی صحبت میکند و با استقبال و تایید

ها بخششی از کارنامه تروریستهای اسلامی حاکم بر ایران است. کیوان جاوید در برنامه ای که خبرگزاری فارس را به این عکس العمل واداشته - بی آنکه اسم گویا و افشا کننده برنامه "جمهوری اسلامی و نیاز به خرافه

عملکرد فاشیستی این رژیم هستند. جنایتی که در حمله به ژورنالیستهای چارلی ابدو در فرانسه اتفاق افتاد در جمهوری اسلامی هر روز اتفاق می افتد. از فتوای قتل سلمان رشدی تا قتل ستار بهشتی ها و تا قتلهای زنجیره ای مختاری ها و پوینده

خبرگزاری فارس در برابر کانال جدید!

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر



اصلی این کارگران پرداخت تمام مطالبات مزدی تا قبل از پنجم اسفندماه برطبق دستور کتبی ارسالی وزارت نفت به کارفرمایان شرکت‌های پیمانکاری است. این کارگران قبلاً نیز برای پیگیری دستمزدهای پرداخت نشده خود در ۱۷ بهمن تجمع اعتراضی برپا کرده بودند. اشاره کارگران فاز ۱۹ عسلویه به بخشنامه ایست که اخیراً رئیس حراست صنایع نفت به مقامات مسئول در صنعت نفت و صنایع وابسته به آن داده و طی آن بر پرداخت دستمزدهای معوقه و عیدی و پاداش آخر سال کارگران حداکثر تا تاریخ ۵ اسفند تاکید شده است.

جمهوری اسلامی از یک طرف مانور "ضد شورش" راه می‌اندازد و از سوی دیگر ناگزیر از دادن چنین بخشنامه‌هایی است تا بلکه بتواند اوضاع را آرام نگاهدارد و در کنترل خود داشته باشد. نامه حراست جمهوری اسلامی بیش از هر چیز قدرت مبارزه و موفقیت کارگران نفت و صنایع وابسته به نفت از جمله کارگران در پتروشیمی‌ها و منطقه ویژه اقتصادی عسلویه را در مبارزات اخیرشان نشان میدهد. با اتکا به این موفقیت است که امروز کارگران فاز ۹ عسلویه در اعتراض به تعویق پرداخت ۴ ماه حقوقشان به میدان آمده و به پرداخت طلبهایشان تا ۵ اسفند اولتیماتوم میدهند. فضای اعتراض را در میان کارگران دیگر بخش‌های صنعت نفت و مراکز وابسته آن میتوان دید. خلاصه کلام اینکه اگر نزدیک شدن انتخابات هراسی برای

صفحه ۱۰

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد است.

راهپیمایی اعتراضی کارگران نساجی مازندران در خیابانهای ساری

صبح روز ۱۷ بهمن کارگران نساجی مازندران در اعتراض به تعویق پرداخت ۵ ماه دستمزد و ۶ ماه حق بیمه خود در سطح خیابان‌های مرکزی استان مازندران دست به راهپیمایی اعتراضی زدند. فشار اعتراض کارگران آنچنان بالا بود که فرماندار انتظامی مازندران ناگزیر میان کارگران حاضر شد و با وعده رسیدگی به خواست آنان، خواهان ترک محل از سوی کارگران شد. کارگران با اعلام اینکه اگر جوابمان را ندهید اینبار با خانواده‌هایمان خواهیم آمد، محل را ترک کردند. اعتراض پر شور کارگران نساجی مازندران به نوع خود الگوی خوبی از اعتراضات کارگری و بیانگر فضای ملت‌هت محیط‌های کارگری است.

کارگران عسلویه : تا ۵ اسفند دستمزدهای معوقه باید پرداخت شود

روز ۱۹ بهمن حدود ۳۰۰ نفر از کارگران پیمانکاری فاز ۱۹ عسلویه در اعتراض به ۴ ماه معوقات مزدی در محوطه کارگاه تجمع کردند. این کارگران همگی از نیروهای فنی متخصص هستند که در شرکت‌های پیمانکاری دست سوم مشغول به کار هستند. خواسته

بیشتری قرار دهند.

مانور نیروی سپاه برای مقابله با اعتراضات کارگری

یک خبر قابل توجه در این هفته مانور گردان‌های بیت المقدس جمهوری اسلامی در ۱۶ بهمن در شهر کلاله از توابع استان گلستان در شمال ایران است. این مانور با عنوان برخورد با "کارگران اغتشاشگر" برگزار شد و گردانندگان آن هدف خود را کسب آمادگی نیروهای بسیج "ضداغتشاش" جهت برخورد با کارگرانی که دست به اغتشاش میزنند، تعریف کردند. در این مانور نیروی ضد شورش بصورت نمایشی به یک تجمع بازسازی شده حمله کرده و تعدادی از کارگران را دستگیر میکنند.

این مانور بطور واقعی اعترافی آشکار از سوی حکومت اسلامی به فضای گسترده اعتراضات و اعتصابات کارگری و کل جامعه است. جواب مانورهای جمهوری اسلامی، سازماندهی صفوف اعتراضاتمان و متحد شدن حول خواسته‌های سراسری ما کارگران و کل مردم است. جواب مانورهای جمهوری اسلامی ایستادن در مقابل تعرضات رژیم اسلامی با شعار

و اتحادیه‌ها و سایر تشکل‌های کارگری، برای افزایش دستمزد اعلام می‌داریم که:

میزان دستمزد با اجرای بند ۲ ماده ۴۱ قانون کار، باید متناسب با یک زندگی انسانی، مطابق با استانداردهای مدرن و متعارف و بالای خط فقر ۳۵۰۰۰۰۰ تومان (تعیین شود و فارغ از هر وضعیتی که اقتصاد سرمایه داری، خارج از اراده کارگران به آن دچار گشته و در آن دست و پا می‌زند، محقق گردد. ما کارگران همچنین حق خود می‌دانیم که در صورت تأمین نشدن چنین خواستی، هر اقدامی را که برای پیش برد این امر خطیر مناسب تشخیص می‌دهیم، در دستور کار گذاشته و برای آن تلاش و مبارزه نمائیم." بیانیه مشترک تشکل‌های کارگری بطور واقعی پرچم روشنی برای مبارزه بر سر خواست افزایش دستمزدها بدست همه کارگران میدهد. با گرد آمدن حول این پرچم، خواسته‌های مندرج در این بیانیه را به گفتمان مجامع عمومی کارگری در تمام کارخانه‌ها برویم. به استقبال اعتراضی سراسری بر سر خواست افزایش دستمزدها برویم و اجازه ندهیم که با تعیین دستمزد بازم چند بار زیر خط فقر زندگی و معیشتمان را مورد تهاجم

بیانیه مشترک ۷ تشکل کارگری بر سر دستمزد

در این هفته ۷ تشکل کارگری، اتحادیه آزاد کارگران ایران، انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، سندیکای نقاشان استان البرز، کانون مدافعان حقوق کارگر، کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری و کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری در اقدامی جالب بیانیه‌ای بر سر خواست افزایش دستمزدها داده اند. در این بیانیه هر کارگران ضمن اشاره به تحمیل هر روز بیشتر فقر و فلاکت بر کرده کارگران و کل جامعه خواستار افزایش دستمزد به رقمی بالاتر از خط فقر یعنی بالاتر از رقم سه میلیون و پانصد هزار تومان شده اند. کارگران شورایی عالی کار جمهوری اسلامی را قبول ندارند. در این بیانیه مشترک تشکل‌های کارگری اعلام کرده اند که در صورت عدم تحقق خواستشان هر اقدامی را که ضروری باشد برای پیگیری این خواست و در دفاع از زندگی و معیشت خود انجام خواهند داد. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "ما تشکل‌های مستقل در جنبش کارگری ایران، اعم از سندیکاهای



کارگران در هفته ای که گذشت

حکومت است، برای کارگران و مردم فرصتی است تا با گسترده تر کردن اعتراضاتشان خواسته‌هایشان را طلب کنند.

رئوس چند خبر دبگر از اعتراضات کارگری در هفته ای که گذشت

۱۹ بهمن، سومین روز تجمع اعتراضی کارگران شرکت ایران صدرا بوشهر بخاطر هشت ماه دستمزد. تعداد کارگران ایران صدرا ۱۵۰۰ نفر است.

۱۹ بهمن، پس از ۱۳ روز ۵ نفر از کارگران مس خاتون آباد که در حرکت اعتراضی کارگران این معدن در ششم بهمن دستگیر شده بودند، به قید وثیقه آزاد شدند. ۲۳ کارگر معترض دیگر این معدن همچنان در زندانند.

۱۹ بهمن، در پی تعطیلی کامل خطوط تولید کارخانه کاشی کویر یزد، روز ۱۹ بهمن حدود صد نفر از کارگران بیکار شده کارخانه کاشی کویر مقابل استانداری یزد تجمع کردند.

۱۹ و ۲۰ بهمن، ۸۵ راننده اتوبوس شرکت واحد آبادان در اعتراض به پرداخت نشدن دو ماه حقوق خود دست از کار کشیده و در محل کار حاضر نشدند.

۱۹ بهمن، کارگران باغ کتاب تهران پس از وعده کارفرما مبنی بر پرداخت ۴ ماه از ۹ ماه معوقات مزدی به تجمع سه روزه خود خاتمه دادند.

۱۸ بهمن، به دنبال تجمعات اعتراضی بیش از هزار کارگر مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه که در روزهای یازدهم و دوازدهم بهمن ماه در مقابل ساختمان اداری این واحد برگزار شد، یک ماه مزد به همراه اختلاف ناشی از افزایش مزد فروردین ماه سال جاری به آنان پرداخت شد. کارگران بابت یکماه دیگر دستمزد و حق پاداش و بهره برداری سال ۹۳ از کارفرما طلبکارند.

۱۸ بهمن، ۶۵۰ کارگر

آمدن سطح کاری کارخانه، دست به اعتصاب زدند.

۱۷ بهمن، گروهی از کارگران ساختمانی کرمانشاه در اعتراض به عدم برخورداری از همان حداقل خدمات درمانی از طرف بیمه تأمین اجتماعی در محل این اداره در این شهر تجمع کردند.

۱۷ بهمن، جمعی از کارگران و کارکنان شرکت تولیدی گاماسیاب کرمانشاه در اعتراض به اخراج ناگهانی خود از کار، در محل این شرکت در جاده کرمانشاه - سنندج تجمع کرده و خواستار بازگشت به کار شدند.

۱۷ بهمن، جمعی از کارکنان شهرداریهای مناطق مختلف کرمانشاه در اعتراض به پرداخت نشدن مطالباتشان در محل شهرداری مرکزی کرمانشاه تجمع کرده و خواستار پرداخت فوری طلبهایشان شدند.

۱۷ بهمن، تجمع شرکت کنندگان در آزمون استخدامی

معدن سنگ آهن گل گهر مقابل فرمانداری سیرجان در اعتراض به بیکارشدن از کار و ۸ ماه

معدن سنگ آهن گل گهر مقابل فرمانداری سیرجان در اعتراض به بیکارشدن از کار و ۸ ماه

معدن سنگ آهن گل گهر مقابل فرمانداری سیرجان در اعتراض به بیکارشدن از کار و ۸ ماه

معدن سنگ آهن گل گهر مقابل فرمانداری سیرجان در اعتراض به بیکارشدن از کار و ۸ ماه

معدن سنگ آهن گل گهر مقابل فرمانداری سیرجان در اعتراض به بیکارشدن از کار و ۸ ماه

معدن سنگ آهن گل گهر مقابل فرمانداری سیرجان در اعتراض به بیکارشدن از کار و ۸ ماه

معدن سنگ آهن گل گهر مقابل فرمانداری سیرجان در اعتراض به بیکارشدن از کار و ۸ ماه

معدن سنگ آهن گل گهر مقابل فرمانداری سیرجان در اعتراض به بیکارشدن از کار و ۸ ماه

معدن سنگ آهن گل گهر مقابل فرمانداری سیرجان در اعتراض به بیکارشدن از کار و ۸ ماه

معدن سنگ آهن گل گهر مقابل فرمانداری سیرجان در اعتراض به بیکارشدن از کار و ۸ ماه

معدن سنگ آهن گل گهر مقابل فرمانداری سیرجان در اعتراض به بیکارشدن از کار و ۸ ماه

معدن سنگ آهن گل گهر مقابل فرمانداری سیرجان در اعتراض به بیکارشدن از کار و ۸ ماه

معدن سنگ آهن گل گهر مقابل فرمانداری سیرجان در اعتراض به بیکارشدن از کار و ۸ ماه

معدن سنگ آهن گل گهر مقابل فرمانداری سیرجان در اعتراض به بیکارشدن از کار و ۸ ماه

معدن سنگ آهن گل گهر مقابل فرمانداری سیرجان در اعتراض به بیکارشدن از کار و ۸ ماه

معدن سنگ آهن گل گهر مقابل فرمانداری سیرجان در اعتراض به بیکارشدن از کار و ۸ ماه

معدن سنگ آهن گل گهر مقابل فرمانداری سیرجان در اعتراض به بیکارشدن از کار و ۸ ماه

معدن سنگ آهن گل گهر مقابل فرمانداری سیرجان در اعتراض به بیکارشدن از کار و ۸ ماه

معدن سنگ آهن گل گهر مقابل فرمانداری سیرجان در اعتراض به بیکارشدن از کار و ۸ ماه



معدن سنگ آهن گل گهر مقابل فرمانداری سیرجان در اعتراض به بیکارشدن از کار و ۸ ماه

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاتریناسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است. برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shom

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایانتان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

همبستگی جهانی با کارگران ایران گسترده تر میشود

اطلاعیه شماره ۲۸۹

یک نوع قابل توجه از همبستگی جهانی کارگری در حمایت از مبارزات کارگران ایران، حمایت از کارگران زندانی است. نامه مشترک دبیرکل سندیکاهای CFDT، CFE-CGC، CFTC، FSU، CGT، اتحادیه سندیکاهای همبستگی و UNSA به فرانسوا اولاند رئیس‌جمهور و لوران فابیوس وزیر، همزمان با سفر روحانی به این کشور، نامه حمایتی اتحادیه جهانی کارگران صنعتی از کارگران مس خاتون آباد، و نامه جان کلارک رهبر ائتلاف علیه فقر در کانادا در محکومیت محاکمه ۹ کارگر باقی‌بازد در جمله نامه‌های حمایتی از کارگران زندانی در ایران، با خواست آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان از زندان است. در زیر بخش‌هایی از این نامه‌های حمایتی را می‌خوانید:

- تشکلهای مختلف کارگری در فرانسه در نامه مشترک خود خواستار آزادی کارگران و معلمان زندانی در ایران شده‌اند. در این نامه به موارد متعددی هم چون شاهرخ زمانی که در زندان جان باخت، و نیز به بازداشت تعداد زیادی از معلمان اشاره شده است. در بخشی از این نامه آمده است: "رژیم ایران به‌صورت گسترده ناقض حقوق بشر و سندیکاها در ایران است. یک اقدام ساده برای دفاع از حق سندیکایی منجر به مجازات چند سال زندان می‌شود. یک فعال سندیکایی اخیراً در بازداشت بدلیل بدرفتاری درگذشت و چند فعال دیگر حقوق کارگری، در معرض خطر مرگ هستند. به بهانه دیپلوماسی اقتصادی، فرانسه نمی‌تواند موارد نقض حقوق بشر در ایران را نادیده بگیرد. رژیم ایران یکی از آزادی‌کش‌ترین رژیمها در کره زمین است."

در بخش دیگری از این نامه چنین آمده

است: "شاهرخ زمانی، کارگر ساختمان و فعال حقوق مدنی و سندیکایی، به دلایل ناشی از شرایط بسیار نامساعد بازداشت، در زندان جان سپرده است. مسئولیت دولت ایران با توجه به وخامت وضعیت جسمانی نامبرده و رفتار خشونت‌بار زندانبانان که او شخصاً در نامه‌ی بر آن تأکید کرده بوده، غیرقابل انکار است.

سندیکاهای فرانسه در ادامه نامه خود با اشاره به وضعیت شمار دیگری از فعالان کارگری و معلمان که هم‌اکنون در زندانهای رژیم اسلامی در وضعیت خطرناک جسمی قرار دارند، خواستار پیگیری وضعیت این زندانبانان و آزادی آنها و متوقف کردن پیگیری کارگران و فعالان کارگری در ایران شده‌اند.

- بریکی راینا، دبیر کل اتحادیه جهانی کارگران صنعتی (اینداستریال)، که ۵۰ میلیون کارگر در صنایع انرژی، معادن و تولیدی را در ۱۴۰ کشور جهان نمایندگی می‌کند، در حمایت از کارگران بازداشتی بیانیه‌ای صادر کرده و در آن ضمن حمایت از خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگران بازداشتی مجتمع مس خاتون آباد شده است. در بخشی از این نامه چنین آمده است: "اینجانب به نمایندگی از اتحادیه جهانی کارگران صنعتی (اینداستریال)، که ۵۰ میلیون کارگر در صنایع انرژی، معادن و تولیدی را در ۱۴۰ کشور جهان نمایندگی می‌کند، از دولت ایران می‌خواهم که فوراً جهت تضمین آزادی ۲۸ کارگر معدن مس خاتون آباد، که هنگام برگزاری تظاهراتی مسالمت‌آمیز جهت بازگشت به کار ۱۷۰ نفر از کارگران قراردادی بازداشت شدند، مداخله نماید."

- جان کلارک رهبر ائتلاف علیه فقر در کانادا طی نامه‌ای محاکمه ۹ کارگر معدن باقی‌بازد را که بخاطر مبارزات با شکوه ۵ هزار کارگر این معدن در سال گذشته، قرار است در

۲۷ بهمن ماه برگزار شود، محکوم کرده است. در بخشی از این نامه چنین آمده است: "ما سیاست دولت شما که با استفاده از قدرت خود تلاش میکند مبارزه کارگران برای دستمزد مناسب و شرایط امن کاری را سرکوب کند محکوم می‌کنیم. ما از دولت شما می‌خواهیم که کارگران بافق از تمام اتهامات تبرئه شوند و حق آنها برای مبارزه برای عدالت برای خود و سایر معدنچیان برسمیت شناخته شود."

کمپین برای آزادی کارگران زندانی همچون بسیاری از نیروی آزادیخواه دیگر، تلاش می‌کند که صدای کارگران زندانی در سطح جهان باشد. این کمپین تلاش دارد که با انعکاس اخبار اعتراضات کارگری در سطح جهانی و آخرین اخبار در مورد کارگران زندانی، بیشترین حمایت جهانی را جلب کند. به هر شکل که می‌توانید با این کمپین همکاری کنید.

۵ نفر از کارگران خاتون آباد به قید وثیقه آزاد شده‌اند، ۲۳ نفر دیگر آنان همچنان در زندانند. بعلاوه جعفر عظیم زاده، بهنام ابراهیم زاده، محمد جراحی، رسول باقی، اسماعیل عبیدی، عبدالرضا قنبری، علیرضا هاشمی، علی اکبر باقی، اسماعیل عبیدی، از جمله چهره‌های شناخته شده کارگری و معلمان معترض هستند که در کنار شمار بسیاری دیگر از فعالین سیاسی در زندان بسر می‌برند. تمامی کارگران زندانی و زندانبانان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. پرونده‌های تشکیل شده برای فعالین کارگری باید لغو و دادگاه ۹ کارگر باقی‌بازد فوراً متوقف شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۲۱ بهمن ۹۴، ۱۰ فوریه ۲۰۱۶

Shahla. Daneshfar2@gmail.com

<http://free-them-now.com>



International Workers Solidarity Committee - Iran

باید در برابر مانور ضد «اغتشاشات کارگران» با قدرت ایستاد!

روز جمعه ۱۶ بهمن ماه سایت حکومتی «کلاله خیر» خبری مبنی بر برگزاری مانوری توسط بسیج و سپاه در استان گلستان برای مقابله با «کارگران اغتشاشگر» را همراه با تصاویری از کارگران اعتصابی نمایشی که با حمله لشکریان مسلح حکومت مواجه شده اند منتشر کرد. به جریان انداختن مانور ضد اغتشاش کارگری توسط حکومت اسلامی قابل تأمل جدی است. این حکومت چند ماه قبل از خیزش میلیونها نفری سال ۸۸ نیز در شهرهای متعددی مانور ضد شورش راه انداخت تا جامعه را مرعوب کند. تا در صفوفش آمادگی ایجاد کند. تا از فوران خشم مردم ممانعت کند. اما حرکت میلیونی مردم با شعارهای مرگ بر خامنه ای و مرگ بر دیکتاتور به جریان افتاد و مزدوران حکومت چندین ماه در برابر آن ناتوان ماندند.

این بار با مانور ضد اغتشاش کارگری عملاً حکومت مفتخوران سرمایه دار دارد اعتراف میکند که جامعه بازهم در آستانه شورش و انقلاب است و این بار دوره بازی و خاصیت جناحهای ناراضی حکومت برای کنترل مبارزات مردم به پایان رسیده است و این کارگران

نیروهای کارگری هستند که با عزم به زیر کشیدن حکومت به میدان می آیند.

مانور بسیج و سپاه در برابر «کارگران اغتشاشگر» اعتراف آشکار این حکومت به دشمنی عمیقش با کارگران است. حکومتی که علیه مردم مانور جنگی راه می اندازد دارد تخصص شدید خود با مردم و ناتوانی اش از کنترل و سرکوب جامعه را آشکارا اعتراف میکند. یک لشکر مفتخور و دزد و جنایتکار کل ثروتها و مقدرات جامعه را در چنگ خود گرفته است و میلیاردها تومان از همان ثروتهایی که کارگران خود تولید کرده اند را صرف استخدام مزدور برای جنگ با کارگران میکند تا بتواند به قلدری و مفتخوری و حاکمیتش تداوم بخشد. این مانوری از سر استیصال و درماندگی است.

حکومت اسلامی در فضای نزاعها و کشاکشهای عمیقش شاهد وسیعترین نفرت مردم از حکومت و جریان یافتن اعتراضات هرروزه کارگران برای گرفتن خواستههای خویش است. این حکومت در وحشت هرروزه از فضای سیاسی جامعه به سر میرسد که کارگران و معلمین و پرستاران و دانشجویان و کلا بخش اعظم جوانان

روز جمعه ۱۶ بهمن ماه سایت حکومتی «کلاله خیر» خبری مبنی بر برگزاری مانوری توسط بسیج و سپاه در استان گلستان برای مقابله با «کارگران اغتشاشگر» را همراه با تصاویری از کارگران اعتصابی نمایشی که با حمله لشکریان مسلح حکومت مواجه شده اند منتشر کرد. به جریان انداختن مانور ضد اغتشاش کارگری توسط حکومت اسلامی قابل تأمل جدی است. این حکومت چند ماه قبل از خیزش میلیونها نفری سال ۸۸ نیز در شهرهای متعددی مانور ضد شورش راه انداخت تا جامعه را مرعوب کند. تا در صفوفش آمادگی ایجاد کند. تا از فوران خشم مردم ممانعت کند. اما حرکت میلیونی مردم با شعارهای مرگ بر خامنه ای و مرگ بر دیکتاتور به جریان افتاد و مزدوران حکومت چندین ماه در برابر آن ناتوان ماندند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ بهمن ۱۳۹۴، ۹ فوریه ۲۰۱۶

علیه مضحکه انتخابات در خارج کشور

در تجمعات اعتراضی ۲۶ فوریه شرکت کنید!

حکومت، روز ۲۶ فوریه هر جا صندوقی دایر میکنند تجمع میکنیم. با دوستان و آشنایان خود در این تجمعات شرکت کنید و فضا را علیه حکومت و مزدورانش هرچه بیشتر تنگ کنید.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری
فوریه ۲۰۱۶

اعتراضی، صدای میلیونها مردمی شویم که به اشکال مختلف به این حکومت و قوانینش دهن کجی میکنند. روز ۲۶ فوریه را باید به روز افشای جنایات بی شمار حکومت اسلامی تبدیل کنیم. اجازه ندهیم حکومتی که خوشبختی را از اکثریت عظیم مردم سلب کرده است، به اصطلاح انتخابات راه بیندازد. هر کس که با هر توجیهی میخواهد در این مضحکه شرکت کند را باید قانع کرد که به مشت دزد و جانی رای ندهد و به تجمع اعتراضی علیه این حکومت بپیوندد.

مردم ایران به حق انتظار دارند که ایرانیان مقیم خارج در صفی متحد و یکپارچه بساط صندوقهای رای را به محل اعتراض علیه حکومت تبدیل کنند. حکومتی که هر صدای عدالتخواهی را با پیگرد و زندان و شکنجه پاسخ میدهد، انتخابات بردار نیست. انتخاب ما سرنوشتی جمهوری اسلامی است!

همراه با سایر احزاب مخالف

کیست که نداند مضحکه انتخابات «مجلس شورای اسلامی» و «خبرگان»، بیش از هر وقت دیگر وضعیت بهم ریخته حکومت اسلامی را نمایان کرده است. اجناحها و دارودسته های رژیم اسلامی، مشت ارازل و اوباش حکومتی که در پرونده فردی و جمعی هر کدام دهها فقره قتل و جنایت و فساد انباشته اند، به نام «انتخابات» به جان هم افتاده اند. عاجزانه از مردم میخواهند در این نمایش مسخره شرکت کنند. از خامنه ای تا روحانی و رفسنجانی و خیل لشکر اصلاح طلب حکومتی تلاششان این است که تعداد رای ها را بالا ببرند تا برای حکومت منحوس خود مشروعیت بخرند. با رای ندادن و اعتراض کردن به کل این حکومت، این تلاش سران حکومت را باید به شکست کامل کشاند.

ایرانیان مقیم خارج، مخالفین حکومت اسلامی:

در خارج کشور با برپا کردن تجمع

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر این شماره: سوسن صابری

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود